



زندگی در فضای معرفت و عشق الهی؛ راه رسیدن به کمال

زندگی در فضای معرفت و آگاهی و شناخت حقایق و دانستن معارف زمینه‌ای برای پدید آمدن عشق و محبت و مهرورزی به معشوق و محبوب است.

زندگی در فضای معرفت و آگاهی و شناخت حقایق و دانستن معارف زمینه‌ای برای پدید آمدن عشق و محبت و مهرورزی به معشوق و محبوب است.

عشوقی که ازلی و ابدی است و وجودش منبع همه خیرات و برکات است و جلوه جمال و جلالش در قلب، سبب ظهور ارزش‌ها و فیوضات و اتصال انسان به مایه‌های خیر دنیا و آخرت و سعادت و خوشبختی ابدی و سرمدی و عامل چشم پوشی از ظواهر پرفریب دنیا و دل بستن به حقایق اصیل و پیوستن به شئون معشوق و در یک جمله جز او را نخواستن و جز او را ندیدن است. بدون چنین عشقی به چنان معشوقی، زندگی و حیات گرچه از ظواهر پرفریب مادی زینت داشته باشد، جز کویری خشک که در آن غیر سراب چیزی دیده نمی‌شود، نیست.

در فضای معرفت و آگاهی، معشوق با چشم دل و دیده باطن، وجودی بی نهایت از مهر و رحمت و رحمانیت و رحیمیت و عالم به غیب و شهادت و ملک و قدوس و سلام و مؤمن و مهیمن و عزیز و جبار و متکبر و خالق باریء و مصور و دارای اسماء حسنی دیده می‌شود و چون چنین دیده شد، دل از ظاهر برداشته می‌شود و بند تعلقات گسستنی از دست و پای وجود باز می‌شود و از اسارت آزاد می‌شود و به عرصه آزادی قدم می‌نهد و از حوزه تصرف هوای نفس و شیطان‌های انسی و جنی دور می‌گردد و از شر وسوسه‌ها و زیان محدودیت‌های مادی و خطرات درون و بیرون نجات می‌یابد و از برکات جلوه‌ها و فیوضات معشوق که جز خیر عاشقی اراده‌ای ندارد و جز رسانیدن همه نعمت‌های مادی و معنوی به عاشق قصدی ندارد، به قله ارزش‌ها و اوج فضیلت‌ها می‌رسد و آنجاست که ظواهر مادی را با همه گستره فیزیکی‌اش کمتر از حجم سکه ای و بلکه کوچکتر از ذره و ارزنی در گوشه‌ای بی قدر و قیمت می‌بیند.

امیر المؤمنین (ع) درباره دارندگان چنین معرفت و بصیرت و عشقی و متصلان به چنان معشوقی که جمع همه صفات کمال است و نسبت به عاشق جز اراده خیررسانی در دنیا و آخرت ندارد، می‌فرماید: یقیناً عاشقان خدا همان کسانی هستند که به باطن و حقیقت دنیا می‌نگرند، آن گاه که همه مردم به ظاهر و پوسته آن توجه می‌کنند و به آباد کردن آینده آن که آخرت است اشتغال دارند، هنگامی که مردم به آباد کردن وضع فعلی آن که قطعاً از دست رفتنی است مشغول‌اند، از امور دنیا آنچه را می‌ترسند آنان را به نابودی و هلاکت بکشاند آگاهانه با دست خود نابود می‌کنند، و آنچه را از امور آن می‌دانند رهایشان می‌کند با رغبت و شوق رها می‌نمایند.

آنچه را از دنیا دیگران بسیار و فراوان می‌بینند کم و اندک مشاهده می‌کنند و پیوستن آنان را به دنیا گسستن به شمار می‌آورند. دشمن‌اند نسبت به آنچه مردم با آن آشتی و دوست هستند، و آشتی و دوست‌اند با آن که مردم با آن دشمن‌اند. حقایق قرآن به وسیله آنان دانسته می‌شود و به وسیله قرآن آنان شناخته می‌شود و به وسیله وجود آنان کتاب خدا بر پا می‌شود و آنان به وسیله قرآن قیام به حق و عدالت می‌نمایند، بالاتر از آنچه را امید دارند که رحمت خداست مایه امیدی نمی‌بینند و بالاتر از آنچه را می‌ترسند که عذاب الهی است مایه ترسی به نظر نمی‌آورند.

اینان با شناخت معشوق حقیقی و محبوب ازلی و ابدی به شناخت شئون او که وحی و نبوت و ولایت است نائل می‌شوند و از این طریق خزانه وجود خویش را از انواع گنج‌های ابدی که در دنیا به صورت رشته‌های گوناگون بندگی و اعمال صالحه و اخلاق حسنه است و در آخرت به صورت رضایت معشوق و بهشت عنبر سرشت است پر می‌کنند. قرآن می‌فرماید: و کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به بهشت‌هایی در آوردند که از زیر درختانش نهرها جاری است، در آنجا به اجازه پروردگارشان جاودانه، و در آنجا درود [خدا و فرشتگان] بر آنان سلام است.

اینان می‌دانند که این معشوق واقعی برای عاشق خود فقط خیر و سلامت و خوبی و امنیت و رشد و کمال و درستی و صداقت و سعادت و خوشبختی می‌خواهد و هیچ زیان و ضرر و خطر و شری را برای عاشق خویش تحمل ندارد. وجود مقدس او عاشق ظهور ارزش‌ها در وجود انسان است و هنگامی که ارزش‌ها به اراده و اختیار خود انسان در وجودش ظهور پیدا کند محبوب حق می‌شود و از آثار بسیار پرارزش این محبوبیت در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌گردد.